



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مکتب اهل بیت



در مکتب اهل بیت

حکم «آمین» گفتن در نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکم (آمین) گفتن در نماز

نویسنده:

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حکم «آمین» گفتن در نماز
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۹	مقدمه
۲۷	مقدمه
۲۹	بررسی حکم «آمین» گفتن در نماز از دیدگاه شیعه و سنی
۲۹	امر اول: توقیفی بودن عبادات
۳۱	امر دوم: کیفیت نماز در کتب صحاح
۳۴	امر سوم: حکم تأمین در نظر اهل بیت علیهم السلام
۳۶	امر چهارم: کیفیت نماز در نظر اهل بیت علیهم السلام
۳۶	اشاره
۳۶	حدیث اول
۳۹	حدیث دوم
۴۰	حدیث سوم
۴۰	حدیث چهارم
۴۰	حدیث پنجم
۴۱	حدیث ششم
۴۱	حدیث هفتم
۴۱	امر پنجم: نظر علمای مکتب اهل بیت علیهم السلام در مورد حکم تأمین
۴۱	اشاره
۴۲	۱- شیخ مفید
۴۲	۲- سید مرتضی علم الهدی

۴۳ ۳- شیخ طوسی

۴۴ امر ششم: نظر علمای اهل سنت در مورد کلمه آمین

۴۶ امر هفتم: روایات کتب صحاح در باره تأمین

۴۶ اشاره

۵۱ الف: روایاتی که در سنن ابن ماجه آمده است

۵۵ ب: روایاتی که در سنن ابی داوود آمده است

۵۸ ج: روایاتی که در سنن ترمذی آمده است

۵۹ نتیجه بحث

۶۱ درباره مرکز

حکم «آمین» گفتن در نماز

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: حکم «آمین» گفتن در نماز [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات ، عبدالامیر سلطانی ؛ مترجم : حسین علی عربی ؛ تهیه کننده: اداره ترجمه معاونت فرهنگی؛ ویراستاری: امرا... نصیری

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۵۴ ص. ۲۱×۱۴/۵ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیه السلام؛ ۳۸

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۹۳.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۷۹۴۸

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

حکم «آمین» گفتن در نماز

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات ، عبدالامیر سلطانی

مترجم : حسین علی عربی

ص: ۵

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (علیهما السلام) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (علیهما السلام) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتِّهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران اُمَّت و بر آحاد جامعهٔ اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتِّفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همهٔ مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (علیهما السلام) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (علیهما السلام) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزری و اعلان و تحقّق کلمهٔ توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر (علیهما السلام) را همانند دعای کمیل از امام علی (علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین (علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد (علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الْمَدَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی (علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت (علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶ / ۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزاوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

«آمین» گفتن بعد از سوره حمد، یکی از مسائل مورد اختلاف مذاهب اسلامی می باشد. مذهب شیعه معتقد است این عمل در سنت وارد نشده و ذکر آن بعد از سوره حمد، باعث بطلان نماز است؛ زیرا اضافه کردن چیزی است که حتی استحباب آن روایت نشده است؛ اما مذاهب چهارگانه دیگر، نظر متفاوتی دارند؛ به این صورت که سه مذهب مشهور، آن را از سنت های نماز و واجب می دانند، در حالی که مذهب چهارم، آن را از مستحبات می داند.

جزیری می نویسد:

«از سنت های نماز این است که نمازگزار بعد از فراغت از قرائت سوره حمد، آمین بگوید (۱) و این بر امام و مأوم در نماز جماعت و بر کسی که نمازش را فرادا می خواند، واجب است... و این مقدار مورد اتفاق نظر ائمه سه مذهب است، ولی مذهب مالکیه قایل است که آمین مستحب است نه واجب». (۲)

روشن است که این اختلاف نظر در حکم آمین به ادله شرعی ای باز می گردد که ائمه مذاهب، در صدور فتوا بدان اعتماد کرده اند و

ص: ۲۱

-
- ۱- (۱) - «آمین» گفته نمی شود، مگر بعد از امّ القرآن «سوره فاتحه»، پس اگر آن را نگوید، سوره فاتحه را به طور کامل ادا نکرده است. (کتاب الأمّ شافعی: ۱/۱۳۱، باب التأمین عندالفراغ من قراءه امّ القرآن).
- ۲- (۲) - الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمن جزیری: ۱/۲۵۰، حکم الاتیان بقول آمین.

به عبارت دیگر، هر یک از دو مذهب شیعه و سنی به ادله خاصی برای فهم و استنباط حکم شرعی، ملتزم شده اند.

در این کتاب، سعی می‌کنیم در ضمن اموری، مسأله را بر طبق نظر هر یک از دو مذهب، مورد بررسی قرار دهیم تا بفهمیم که کدام یک به سنت پیامبر اکرم (علیهما السلام) نزدیکتر است.

ص: ۲۲

امر اول: توقیفی بودن عبادات

نماز از عبادات است و در جای خود ثابت شده است که عبادات از جهت کم و کیف، ادا و قضا، وجوب و استحباب و اجزا و شرایط مربوطه، توقیفی هستند و باید بر طبق آنچه شریعت مقرر فرموده است، به جای آورده شوند.

در این صورت، خروج بدون دلیل از آنچه پیامبر اکرم (علیهماالسلام) در کیفیت نماز، ترسیم نموده است، تشریح محض و بدعت شمرده می شود که باعث بطلان عبادت است.

این مسأله مورد اتفاق نظر تمام مذاهب اسلامی است و هیچ اختلافی در آن ندارند.

مرحوم کاشف الغطاء می نویسد:

«انجام عبادت، یا معامله ای که تکلیف آن به شرع باز می گردد، جایز نیست که با استناد به مأخذ غیر شرعی انجام گیرد، پس اگر کسی تکلیفی را در اصول یا فروع، در عبادات، یا معاملات، بدون استناد به مأخذ شرعی انجام دهد و قصد او این باشد که افرادی از او پیروی کنند، یا این حکم او باقی بماند، اگر بدون استناد به شرع، حکم کند، مخترع در دین شمرده می شود و اگر با استناد به شرع،

حکم کند، بدعتگذار شمرده می شود و بدعت در عبادات در مقابل سنت قرار دارد و اگر کسی عملی را بدون استناد به منابع شرع، در تکالیف شرعی داخل کند، بدون آن که قصد سرایت آن را به دین داشته باشد، شریعت گذار در دین شمرده می شود»^(۱).

تبیین ماهیت عبادات و احکام آن بر عهده شارع مقدس می باشد. ^(۲) در کتاب المغنی، تألیف ابن قدامه آمده است:

«عبادات، صددرصد توقیفی هستند و چیزی از آنها و به خصوص نماز، باقیاس و تعلیل ثابت نمی شود، البتّه شارع مقدس ما را به ایراد الفاظ خاصّی در خطبه های نماز، ملتزم نکرده است؛ زیرا خطبه ها برای موعظه است و بر حسب شرایط و اوضاع، فرق می کند، اما در مورد نماز، رسول اکرم (علیهماالسلام) فرموده اند

: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي. ^(۳) همان گونه که دیدید نماز می خوانم، نماز بخوانید». ^(۴)

توضیح داده شده است که فرق معاملات و عبادات در این است که معاملات، متوقّف بر الفاظی هستند که مقصود از آنها اراده شود،

ص: ۲۴

۱- (۱) - کشف الغطاء، جعفر کاشف الغطاء: ۲۶۹/۱.

۲- (۲) - ر.ک: الفوائد الحائریه: ۴۷۸، فایده ۳۸؛ کشف اللثام: ۴۱۸/۳.

۳- (۳) - صحیح بخاری: ۷۷/۷، کتاب الأدب و در ج ۱۳۳/۸، باب: ما جاء فی اجازه الخبر الواحد فی الأذان و الاقامه؛ سنن دارقطنی: ۲۷۳/۱، کتاب الصلاه، باب ذکر الأمر بالأذان و الاقامه.

۴- (۴) - المغنی، ابن قدامه: ۵۰۶/۱.

یا چیزی که جانشین این الفاظ شود و یا به عبارتی، ثبوت معاملات برخلاف احکام، جعلی و قراردادی است، نه توقیفی که به وسیله شرع بدانها ملزم شده باشیم؛ بنابراین، اگر عبادات توقیفی باشند، اختراع در آنها جایز نیست و از آن جا که نماز از عبادات است، اضافه کردن چیزی که از طرف شارع وارد نشده است، باعث بطلان آن می گردد.

پس از این مقدمه به بررسی کلمه «آمین» می پردازیم که مورد اختلاف واقع شده است.

آیا این کلمه از الفاظی است که ذکر آن بعد از قرائت سوره حمد شرعاً وارد شده؟ و اگر وارد شده آیا به صورت مستحب یا واجب؟ که در صورت دوم، ترک آن موجب بطلان نماز باشد.

امر دوم: کیفیت نماز در کتب صحاح

نظر شرع مقدس در این مسأله با مراجعه به روایاتی که به بیان کیفیت نماز پیامبر اکرم (علیهماالسلام) پرداخته روشن می شود. با مراجعه به روایاتی که در کتب صحاح نقل گردیده و چگونگی نماز رسول خدا (علیهماالسلام) را به تفصیل بیان کرده ملاحظه می شود که آن حضرت، کلمه «آمین» را بعد از حمد، تلفظ نمی کرده است.

از جمله آنها حدیث ابوحمید ساعدی است که تعدادی از محدثین آن را روایت کرده اند و ما در این جا آن را از سنن بیهقی نقل می کنیم:

«ابو علی عبدالحافظ روایت کرده است: ابوحمید ساعدی [به عده ای از اصحاب] گفت: من شما را از چگونگی نماز رسول خدا (علیهماالسلام) آگاه می کنم. گفتند: چگونه؟ تو که بیشتر از ما با او نبوده و قبل از ما همراهش نبوده ای؟! گفت: قبول دارم. گفتند: با این حال، آنچه را می دانی بیان کن. گفت: هنگامی که رسول خدا (علیهماالسلام) می خواست وارد نماز شود، دستهایش را تا شانه هایش بالا می آورد، سپس تکبیر می گفت و پس از آن که تمام اعضای بدنش ساکت و آرام می شد، قرائت را شروع می کرد. پس از اتمام قرائت در حالی که دستهایش را تا شانه هایش بالا می آورد، تکبیر می گفت، سپس به رکوع می رفت و کف دستهایش را بر زانوهایش می گذاشت. سپس بدون آن که سرش را تکان دهد، بر می خاست و سرش را بالا می آورد و می گفت: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، سپس دستهایش را تا شانه هایش بالا می آورد و پس از آن که تمام اعضای بدنش معتدل و آرام می شد، می گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ، سپس به سجده می رفت در حالی که دستهایش را از پهلوهایش دور می کرد، سپس از سجده برمی خاست و پای چپ را تا می کرد و بر آن می نشست. هنگام سجده، انگشتان پاهایش را باز می کرد. سپس به سجده دوم می رفت. آنگاه از سجده برمی خاست و بعد می گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ، سپس پایش را تا می کرد و بر آن می نشست تا تمام اعضای بدنش در حالت تعادل و آرامش قرار گیرد.

آنگاه رکعت دیگری را به همان صورت به جای می آورد، سپس هنگامی که از رکعت دوم برمی خاست، تکبیر می گفت و دستهایش را تا محاذی شانۀ هایش بالا می آورد، همان طور که در ابتدای نماز انجام داده بود، سپس این کارها را در بقیۀ نمازش انجام می داد تا به آخرین سجده نماز می رسید که می بایست بعد از آن، نماز را سلام دهد. در حال برخاستن از این سجده، پای چپ را کمی به عقب می کشید و بر آن چپ خود می نشست.

همۀ آنان گفتند: راست گفتی، رسول خدا (علیهماالسلام) همین طور نماز می خواند. (۱)

امور زیر، صحّت احتجاج به این حدیث را توضیح می دهد:

- ۱- تصدیق ابوحمید به وسیله تعدادی از بزرگان صحابه (۲) بر قوّت حدیث و ترجیح آن بر ادلّه دیگر، دلالت می کند.
- ۲- او فرایض و سننّها و مستحبات نماز را بیان کرده، ولی آمین گفتن را ذکر نکرده است. با این حال، صحابه از او انتقاد و چیزی بر خلاف او ذکر نکرده اند، در حالی که در صدد عیبجویی از او بوده اند؛ زیرا در ابتدا قبول نکردند که او آگاه ترین آنان نسبت به نماز رسول خدا (علیهماالسلام) است، با این حال همگی در آخر گفتند:

ص: ۲۷

۱- (۱) - سنن بیهقی: ۱۰۵/۲ ح ۲۵۱۷؛ سنن ابی داوود: ۱۹۴/۱ باب افتتاح الصلاه، ح ۷۳۰؛ سنن ترمذی: ۱۰۵/۲ ح ۳۰۴، باب صفة الصلاه.

۲- (۲) - از جمله آنان: ابوهریره، سهل ساعدی، ابواسید ساعدی، ابوقتاده، حارث بن ربیع و محمد بن مسلمه بوده اند.

«راست گفتمی، رسول خدا (علیهما السلام) همین طور نماز می خواند».

و بسیار بعید است آنان که ده نفر و در مقام بیان و مذاکره بودند، تذکر این نکته را فراموش کرده باشند.

۳- اگر اشکال شود که این حدیث، عام است و به وسیله احادیث تأمین، تخصیص خورده خواهیم گفت:

اگر ابوحمید تمام فرایض، سنتها، مستحباب و هیئت کامل نماز را بیان کرده و بر شمرده و در مقام تعلیم و بیان مسأله بوده حذف چیزی در این حال، خیانت است و این کار از او و تمام آن صحابه بعید است.

۴- با این که بعضی از صحابه حاضر، مثل ابوهریره، احادیث تأمین را روایت کرده اند، در عین حال بر ابوحمید اعتراض نکردند.

امر سوم: حکم تأمین در نظر اهل بیت علیهم السلام

بعد از آن که احادیث مربوط به چگونگی نماز رسول خدا (علیهما السلام) را در کتب صحاح مورد بررسی قرار دادیم و ملاحظه کردیم که «تأمین» به عنوان سنتی از سنتهای آن حضرت در نماز ذکر نشده است، حال باید به بررسی روایاتی پردازیم که در کتب احادیث شیعه نقل گردیده و اهل بیت علیهم السلام (۱) در خلال آنها به

ص: ۲۸

۱- (۱) - اهل بیت علیهم السلام کسانی هستند که رسول اکرم (علیهما السلام) آنان را عدل قرآن کریم قرار داده و تمسک به قرآن و ایشان را واجب گردانیده و پیروی از غیر این دو جایز نیست؛ بنابراین، اگر عترت طاهرین، گفتن آمین را در نماز تحریم کرده اند، باید از آنان اطاعت شود و در نماز، ذکر نگردد.

پیروانشان دستور داده اند که برای حفظ سنت جدشان، از گفتن «آمین» در نماز خودداری کنند.

در این جا به تعدادی از نصوصی که از آنان روایت شده اشاره می کنیم:

۱- محمّد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از عبدالله بن مغیره، از جمیل، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

«اذا كنت خلف امام فقرأ الحمد و فرغ من قراءتها، فقل انت: الحمد لله رب العالمين و لا تقل آمين» .

«اگر در نماز جماعت بودی و امام از قرائت حمد، فارغ شد، تو الحمد لله رب العالمين بگو و آمین نگو».

همچنین محمّد بن حسن با اسناد خود از محمّد بن یعقوب مثل همین را روایت کرده است.

۲- از محمّد بن یعقوب، از محمّد بن سنان، از ابن مسکان، از محمد حلبی روایت شده است:

«از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا بعد از قرائت فاتحه الكتاب، آمین بگویم؟ فرمود: نه».

۳- و در حدیث زراره از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

«وَلَا تَقُولَنَّ إِذَا فَرَعْتَ مِنْ قِرَاءَتِكَ، آمِينَ، فَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۱).

«هیچ گاه پس از قرائت حمد، آمین نگو بلکه اگر خواستی، بگو: الحمد لله رب العالمین».

امر چهارم: کیفیت نماز در نظر اهل بیت علیهم السلام

اشاره

امر سوّم در صدد بیان نظر اهل بیت علیهم السلام در مورد کلمه «آمین» در نماز بود. همچنین اگر به بررسی روایاتی پردازیم که در صدد تبیین کیفیت نماز در مکتب اهل بیت علیهم السلام هستند، می بینیم که ذکر از کلمه «آمین»، بعد از قرائت فاتحه به میان نیامده است.

در این جا به برخی از روایاتی که در این خصوص وارد شده و از جهت سند و دلالت مورد اعتماد است، اشاره می کنیم:

حدیث اوّل

«محمّد بن حسین با اسناد خود از حمّاد بن عیسی روایت می کند:

«روزی امام صادق علیه السلام از من پرسید: آیا نماز را به خوبی به جای می آوری ای حمّاد؟! عرض کردم: ای آقای من! من کتاب حرّیز در نماز را از حفظ هستم [و بر طبق آن نماز می خوانم].

ص: ۳۰

فرمود: اشکالی ندارد، برخیز و نمازی بخوان. [برخاستم و نمازی خواندم، پس از آن حضرت فرمود]:

یا حمّاد! لا تحسن أن تُصَلِّيَ، ما أفتَحَ بِالرَّجُلِ (منکم) أنْ یأتیَ عَلَیْهِ سِتُّونَ سَنَةً او سَبْعُونَ سَنَةً فَمَا یقیمُ صَلاةً واحِدَةً بِحُدُودِهَا تامه؟!، ای حمّاد! نماز را به خوبی به جای نمی آوری. چقدر برای یکی از شما زشت است که شصت، یا هفتاد سال از عمرش گذشته باشد، اما حتی یک نماز را با تمام حدودش به جای نیاورده باشد؟! من خیلی خجالت کشیدم و عرض کردم: فدایت شوم! پس نماز را به من یاد بدهید.

ابوعبدالله برخاست و رو به قبله ایستاد. دستهایش را در حالی که انگشتانش بهم بسته بود، بر رانهایش گذاشت، در این حال پاهایش را به هم نزدیک کرده تا جایی که بین آنها به اندازه سه انگشت از هم باز شده فاصله بود. او با خشوع و فروتنی تمام انگشتان پاهایش را رو به قبله کرد و مواظب بود که از قبله منحرف نباشند، سپس گفت: الله اکبر. آنگاه سوره حمد و سپس سوره توحید را با ترتیل قرائت کرد، سپس صبر کرد و نفسی کشید سپس در حالی که هنوز ایستاده بود، گفت: الله اکبر. آنگاه به رکوع رفت و کف دستهایش را بر زانوهایش گذاشت. در حال رکوع، زانوهایش را تا آخر صاف کرد به طوری که پشتش کاملاً مسطح شد، به گونه ای که اگر قطره آبی بر پشتش ریخته می شد، پایین نمی ریخت. در حالی که گردنش را صاف نگه داشته و چشمهایش

را بسته بود، سه بار با ترتیل گفت: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، سپس از رکوع برخاست و در حالی که صاف و آرام ایستاده بود، گفت: سَبِّحْ لِلَّهِ لَمَنْ حَمَدَهُ، سپس در حالی که ایستاده بود، تکبیر گفت و دستهایش را تا محاذی صورتش بالا آورد و پس از آن، به سجده رفت. او دستهایش را قبل از زانوهایش بر زمین گذاشت. در سجده سه مرتبه گفت: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ و در این حال، جایی از بدنش را بر جای دیگر نگذاشته بود.

او بر روی هشت موضع به سجده رفته بود: پیشانی، دو کف دست، دو زانو، دو انگشت بزرگ پاها و همچنین بینی. این مواضع هفتگانه از واجبات سجده است و گذاشتن بینی بر زمین از سنت است، سپس سرش را از سجده برداشت و پس از آن که کاملاً نشست، گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ. در حال نشستن، روی پای راست را بر کف پای چپ گذاشت و بر آن چپ خود نشست و پس از اللَّهُ أَكْبَرُ، گفت: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اتُوبُ إِلَيْهِ، سپس در همان حال نشست، تکبیر گفت و به سجده دوم رفت و آن را همانند سجده اول به جای آورد. او در حال رکوع و سجده هیچ یک از اعضای بدن را بر عضو دیگر تکیه نداد و در سجده آرنجهایش را از بدن دور کرده و آنها را بر زمین نگذاشته بود، پس از آن که دو رکعت نماز را با این اوصاف به جای آورد، فرمود:

«یا حمّاد! هكذا صلّ، ولا تلتفتْ ولا تعبثْ بيديك و أصابعك، و لا تبرق عن يمينك و لا عن يسارك و لا بين يديك» (۱).

«ای حمّاد! این گونه نماز به جای آور و متوجه اطرافت نباش و با دستها و انگشتانت بازی نکن و به راست و چپ، یا جلوت آب دهان نینداز».

روایات بعدی با اختلاف کمی، کیفیت نماز را بیان می کنند و این اختلاف اندک، ناشی از تعدّد طریق است؛ برای همین به ذکر رجال و تبیین وثاقت آنان بسنده می کنیم تا ثابت کنیم که تمام راویان این احادیث، ثقه و مورد اعتماد هستند، در صورتی که این وثاقت و اطمینان را در روایات کسانی که قایل به وجوب تأمین هستند، نمی یابیم.

حدیث دوم

از محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از جدّش، از حمّاد بن عیسی. (۲).

ص: ۳۳

-
- ۱- (۱) - وسائل الشیعه: ۶۷۳/۴، ابواب افعال الصلاه، باب کیفیتها: ج ۱؛ رجال این حدیث ثقه هستند؛ چنان که در معجم رجال الحدیث، از مرحوم خوئی: ۱۹۱/۱ در ذیل شرح حال ۱۰۵۵۴ آمده است. و ر.ک: الفهرست / شیخ طوسی: ۶۱، شرح حال ۲۳۱.
- ۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۸۶/۸۴-۱۸۵، از کتاب العلل؛ تهذیب الاحکام: ۸۱/۲. حدیث صحیح است و رجال آن ثقه هستند.

آن را مرحوم کلینی از علی بن ابراهیم، از پدرش، از حماد بن عیسی روایت کرده است. (۱)

حدیث چهارم

آن را محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از محمد بن اسماعیل، از فضل بن شاذان، از محمد بن عیسی، از احمد بن محمد و همگی از حماد بن عیسی، از حریز، از زراره، از امام باقر علیه السلام روایت کرده است. (۲)

حدیث پنجم

آن را با همین اسانید از حماد بن عیسی، از حریز، از زراره نقل کرده است. (۳)

ص: ۳۴

-
- ۱- (۱) - وسائل الشیعه: ۶۷/۴، ح ۲؛ ر.ک: رجال نجاشی، شرح حال ۶۸۷؛ الفهرست، شیخ طوسی: ۶۱، شرح حال ۲۳۱.
- ۲- (۲) - وسائل الشیعه: ۶۷۵/۴، ح ۳، رجال آن ثقه هستند. ر.ک: معجم رجال الحدیث، از آیت الله خویی: ۵۰/۱۸، شرح حال ۱۲۰۳۷ و ج ۸۴/۱۵، شرح حال ۱۰۲۳۵ و ج ۱۸ / ۱۳۷، شرح حال ۱۱۹۷۷ و شرح حال ۸۰۰ از همین جلد؛ الفهرست، شیخ طوسی: ۱۲۴، شرح حال ۵۵۲، شرح حال ۲۳۱ و شرح حال ۲۳۹؛ رجال نجاشی: ۱۷۵.
- ۳- (۳) - وسائل الشیعه: ۶۷۶/۴، ح ۴ و رجال آن ثقه هستند؛ ر.ک: الفهرست، شیخ طوسی: ۶۱، شرح حال ۲۳۱ و ص ۱۶۲ / شرح حال ۲۳۹؛ رجال نجاشی: ۱۷۵.

آن را شیخ صدوق در علل الشرایع از محمد بن علی ماجیلویه، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از حماد روایت کرده است. (۱)

آن را از علی بن ابراهیم، از پدرش، از محمد بن اسماعیل، از فضل بن شاذان و همگی از ابن ابی عمیر و او از معاویه بن عمار، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. (۲)

امر پنجم: نظر علمای مکتب اهل بیت علیهم السلام در مورد حکم تأمین

اشاره

علمای امامیه با پیروی از اهل بیت علیهم السلام در این مورد، موضع گرفته اند. آنان دقیقاً از همان راهی که اهل بیت علیهم السلام برایشان ترسیم کرده اند، رفته و فتوا داده اند. در این جا به بیان آرای برخی از علمای بزرگ امامیه که منطبق با سنت شریف نبوی است، می پردازیم.

ص: ۳۵

۱- (۱) - وسائل الشیعه: ۶۷۷/۴، ح ۶ و رجال آن ثقة هستند؛ ر.ک: معجم رجال الحدیث، از آیت الله خویی: ۵۵/۱۷، شرح حال ۱۱۴۰۱.

۲- (۲) - وسائل الشیعه: ۶۷۷/۴، ح ۷ و رجال آن ثقة هستند؛ ر.ک: معجم رجال الحدیث، از آیت الله خویی: ۸۴/۱۵، شرح حال ۱۰۲۳۵؛ الفهرست، شیخ طوسی: ۱۲۴، شرح حال ۵۵۲؛ رجال نجاشی: ۲۲۶ / شرح حال ۸۸۷؛ معجم رجال الحدیث: ۲۰۹/۸، شرح حال ۱۲۴۵۷.

او بعد از بیان سنتهای نماز می نویسد:

«سپس سوره حمد و توحید را قرائت می کند و آن دو را با بسم الله الرحمن الرحيم شروع می نماید. تا این که می گوید: و بعد از قرائت سوره حمد، آمین نمی گوید...» (۱)

۲- سید مرتضی علم الهدی

او می نویسد:

«از جمله تمایزات امامیه این است که: ذکر کلمه آمین را بعد از قرائت فاتحه ترک می کند، در حالی که فقهای مذاهب دیگر، آن را سنت می دانند.» (۲)

او در ادامه می نویسد:

«دلیل ما بر این فتوا آن است که: طایفه امامیه اجماع دارند بر این که این لفظ، بدعت و قاطع نماز و احتیاط در ترک آن است؛ زیرا هیچ اختلافی در این نیست که اگر کسی این لفظ، را ترک کند، گناهکار نیست و نمازش را باطل نکرده است بلکه اختلاف در گفتن آن است. که امامیه می گوید: این لفظ، قاطع نماز است و احتیاط در ترک آن است.

ص: ۳۶

۱- (۱) - المقنعه، شیخ مفید: ۱۰۴/۱۴.

۲- (۲) - المحلی: ۲۶۴/۴؛ اللباب: ۶۹/۱؛ الأم: ۱۰۹/۱؛ المجموع: ۳۶۸/۳؛ الفتاوی الهندیّه: ۷۴/۱؛ المغنی، ابن قدامه: ۵۲۸/۱؛ شرح فتح القدير: ۲۵۶/۱؛ مغنی المحتاج: ۱۶۱/۱؛ اختلاف العلماء: ۴۱؛ سنن ترمذی: ۲۸/۲.

همچنین هیچ اختلافی نیست که این لفظ از اجزای قرآن نیست و همچنین به تنهایی، دعا یا تسبیح نیست، در این صورت تلفظ آن، در حکم آوردن کلمه ای در نماز است که خارج از قرآن و تسبیح می باشد.

و اگر گفته شود: این لفظ، آمین گفتن برای دعای سابق بر آن یعنی قول خدای متعال: إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ ما را به راه راست هدایت بفرما، است، می گوئیم: دعا باید با قصد باشد و کسی که سوره فاتحه را در نماز قرائت می کند، قصدش تلاوت است نه دعا و جایز است که قرائت بدون قصد دعا باشد.

مخالفان ما قایل به این شده اند که تلفظ این کلمه بر طبق سنت است و هر نمازگزار می تواند آن را بدون قصد دعا تلفظ کند و ما می گوئیم اگر بطلان استعمال آن برای کسی که قصد دعا نمی کند، ثابت شد، بطلان آن در صورت قصد دعا نیز ثابت می شود؛ زیرا کسی فرقی بین این دو نگذاشته است». (۱)

۳- شیخ طوسی

او می نویسد:

«کلمه آمین در هر صورت، نماز را قطع می کند؛ چه این که بلند، یا آهسته، در آخر سوره حمد، یا قبل از آن و به وسیله امام، یا مأوم تلفظ شود».

او می گوید:

ص: ۳۷

«دلیل ما اجماع امامیه است، زیرا هیچ اختلافی ندارند که تأمین، نماز را باطل می کند و همچنین هیچ اختلافی ندارند که اگر کسی آن را تلفظ نکند، نمازش صحیح است».^(۱)

وی در کتاب مبسوط می نویسد:

«تروک نماز بر دو قسم می باشد: مفروض و مسنون (سنت) و تروک مفروض، چهارده عدد می باشد که عبارتند از: عدم تکتف (دستها را بغل کردن)، نگفتن آمین در خلال سوره حمد، یا آخر آن و...».^(۲)

امر ششم: نظر علمای اهل سنت در مورد کلمه آمین

ابوحنیفه و سفیان می گویند:

«امام آن را بلند می گوید و مأوم آن را آهسته می گوید».^(۳)

از مالک، دو روایت نقل شده است:

یکی مثل قول ابوحنیفه است ^(۴) و دیگری این است که اصلاً آن را نگوید. ^(۵)

ص: ۳۸

۱- (۱) - الخلاف، شیخ طوسی: ۱/ ۳۳۴ و ۳۳۲.

۲- (۲) - المبسوط، شیخ طوسی: ۱/ ۱۱۷.

۳- (۳) - المجموع: ۳/ ۳۷۳؛ المغنی، ابن قدامه: ۱/ ۴۹.

۴- (۴) - المجموع: ۳/ ۳۷۳؛ المحلی: ۳/ ۲۶۴؛ المغنی، ابن قدامه: ۱/ ۴۹۰.

۵- (۵) - المجموع: ۳/ ۳۷۳؛ المغنی: ۱/ ۴۸۹.

شافعی می گوید:

«مأموم چنان بگوید که خودش بشنود»^(۱).

و در جای دیگر می گوید:

آن را بلند بگوید^(۲).

پیروان شافعی در این مسأله، نظرات مختلفی دارند:

عده ای می گویند:

«در این مسأله دو قول است».

و عده ای دیگر می گویند: «اگر صفوف جماعت اندک و بهم نزدیک است به صورتی که صدای امام جماعت را می شنوند، آهسته گفتن مستحب است و اگر صفوف جماعت، زیاد و طولانی است و بسیاری از مردم صدای امام جماعت را نمی شنوند، جهر (بلند گفتن) مستحب است تا کسانی که در صفهای بعدی هستند، آن را بشنوند»^(۳).

احمد، اسحاق، ابو ثور و عطا گفته اند:

«جهر برای مأمومین مستحب است»^(۴).

نووی در روضه الطالبین می گوید:

ص: ۳۹

۱- (۱) - المجموع: ۳/۳۶۸.

۲- (۲) - المجموع: ۳/۳۶۸.

۳- (۳) - المجموع: ۳/۳۶۸.

۴- (۴) - المجموع: ۳/۳۷۳؛ المحلی: ۳/۲۶۴.

«برای هر کسی که سوره فاتحه را در نماز، یا خارج آن می خواند، مستحب است که در آخر آن آمین بگوید».

در ادامه می نویسد:

«استحباب این کار برای امام و مأوموم و کسی که نمازش را فرادا می خواند، یکسان است».^(۱)

شوکانی می نویسد:

«حافظ در مشروعیت تأمین گفته است: این کار در نظر جمهور بر وجه استحباب است. و ابن بزیزه از بعضی از اهل علم حکایت کرده است: با توجه به ظهور صیغه امر بر وجوب، تأمین بر مأوموم واجب است؛ امّا ظاهریّه آن را بر هر نمازگزارى واجب دانسته اند، در حالی که ظاهر حدیث، آن را فقط بر مأوموم واجب می کند و امّا برای امام جماعت و کسی که فرادا می خواند، فقط مستحب است».^(۲)

امر هفتم: روایات کتب صحاح در باره تأمین

اشاره

نظرات مختلفی را از فقهای عامّه درباره تأمین نقل کردیم. بعضی از آنان قایل به وجوب و برخی قایل به استحباب تأمین بودند. بدیهی

ص: ۴۰

۱- (۱) - روضه الطالبین: ۳۵۲/۱، کتاب الصلاة، باب فی صفة الصلاة.

۲- (۲) - نیل الاوطار: ۲۳۲/۲، باب التأمین و الجهر به مع القراءة.

است که این اختلاف، به روایاتی که بدان استناد کرده اند، باز می گردد؛ بنابراین، لازم است اسانید این روایات و اشکالات وارد بر آنها را بررسی کنیم.

روشن است که با فرض سقوط سند، دلالت روایت نیز ساقط می شود و در این صورت، دلیلی باقی نمی ماند تا کسی براساس آن، به وجوب یا استحباب تأمین فتوا بدهد و این در حالی است که روایات صحیحی را نقل کردیم که به «تأمین» اشاره ای نداشتند.

قایلان به وجوب تأمین، به روایات مختلفی استناد کرده اند و ما به آنچه در کتب صحاح سیّئه آمده است، اکتفا می کنیم. تقسیم این روایات از حیث اعتبار روات به دو طایفه ممکن است:

طایفه اول: روایاتی که سلسله سند آنها به ابوهریره منتهی می شود. (۱)

طایفه دوم: روایاتی که به غیر از ابوهریره منتهی می شود.

با توجه به معیار علمای عامّه در علم رجال، احادیث هر دو طایفه با اسانید صحیح روایت نشده است؛ زیرا در طایفه اول به ابوهریره اعتماد و اطمینان نیست.

ص: ۴۱

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۱ و ۳۷۰/۲ - ۳۶۹، کتاب الأذان، باب فضل التأمین و باب جهر المأموم بالتأمین؛ صحیح مسلم: ۱۸/۲ - ۱۷، کتاب الصلاه و باب التسمیع و التحمید و التأمین؛ سنن نسایی: ۴۸۲/۲ - ۴۸۱، کتاب الصلاه، باب الجهر بآمین، و باب فضل الأمر بالتأمین خلف الإمام. و بعضی از روایات وارد شده در سنن ابن ماجه و سنن ابی داوود و جامع ترمذی.

اگر اشکال شود: چگونه ممکن است روایات ابوهریره را کنار بگذاریم و به آنها اعتماد نکنیم، در حالی که از موثق ترین اصحاب رسول خدا (علیهما السلام) می باشد که بیشترین روایت را نقل کرده است؛ زیرا بیش از پنج هزار حدیث را از رسول خدا (علیهما السلام) روایت کرده است؟!

در پاسخ می گوئیم: از اصحاب بودن و کثرت روایت، ملازم با موثق بودن نیست؛ زیرا ادله علمایی که روایات ابوهریره را مردود دانسته و آنها را کنار گذاشته اند، بسیار زیاد و غیر قابل تأویل است که در این جا به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. مورخان ذکر کرده اند:

«عمر بن خطاب در سال ۲۱ هجری، ابوهریره را بر امارت بحرین منصوب کرد، پس از مدتی، خلیفه مطلع شد که ابوهریره اموال فراوانی جمع کرده و اسبهای زیادی را برای خودش خریده است!! خلیفه او را در سال ۲۳ هجری، عزل و پیش خود فرا خواند. پس از آن که وی پیش عمر حاضر شد، با عتاب به وی گفت: ای دشمن خدا و قرآن، آیا اموال خدا را دزدیده ای؟!

ابوهریره گفت: دزدی نکرده ام بلکه این اموال از هدایای مردم است! [\(۱\)](#)

ص: ۴۲

۱- (۱) - الکامل، ابن اثیر، حوادث سال ۲۳ هجری؛ الطبقات الکبری، ابن سعد: ۳۳۵/۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۱۰۴/۳، چاپ مصر.

و ابن سعد و ابن حجر عسقلانی و ابن عبد ربّه نقل کرده اند: هنگامی که عمر او را محاکمه می کرد، گفت: ای دشمن خدا! وقتی که تو را بر ولایت بحرین منصوب کردم، پا برهنه بودی و الآن خبردار شده ام که اسبانی را به قیمت ۱۶۰۰ دینار خریده ای؟! [\(۱\)](#)

ابوهریره گفت: اینها از هدایای مردم است که آنها را در داد و ستد به کار گرفته و زیاد گردانیده ام!

و ابن ابی الحدید نقل کرده است که ابوجعفر اسکافی گفت: ابوهریره در نظر شیوخ ما فاسد است و روایاتش مورد قبول نمی باشد. عمر او را با تازیانه زد و گفت: بس است دیگر، آن قدر روایت از رسول خدا (علیهماالسلام) نقل کردی که شایسته تر آن است که در باره تو بگویم: سخنان دروغ را به آن حضرت نسبت می دهی! [\(۱\)](#)

و نقل شده است که: خلیفه عمر بن خطاب، ابوهریره را سرزنش کرد و با تازیانه او را زد و او را از نقل روایت از رسول خدا (علیهماالسلام) منع کرد و گفت: همانا در نقل روایت از پیامبر اکرم (علیهماالسلام) آن قدر زیاده روی کرده ای که باید گفت تو، احادیث دروغ را به آن حضرت نسبت می دهی!! اگر به نقل روایت از رسول خدا (علیهماالسلام) پایان ندهی، تو را به قبیله ات دوس، یا به شام تبعید می کنم». [\(۲\)](#)

ص: ۴۳

۱- (۱) - شرح نهج البلاغه: ۶۷/۴، از سخنان علی علیه السلام به اصحابش در شرح خطبه ۵۶۷.

۲- (۲) - شیخ المصیره ابوهریره، محمود ابوریّه: ۱۰۳؛ سیر أعلام النبلاء، ذهبی: ۴۳۳/۲ و ج ۱۰۶: ۸.

۲. ابن ابی الحدید از استادش ابوجعفر اسکافی نقل کرده است: «امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمود: آگاه باشید! دروغگوترین مردم - یا فرمود: دروغگوترین زندگان - نسبت به رسول خدا (علیهماالسلام) ابوهریره دوسی است!!».

(۱)

۳. ابن قتیبه و حاکم و ذهبی و مسلم نقل کرده اند:

«عایشه بارها و بارها می گفت: ابوهریره کذاب است؛ او احادیث بسیاری را از زبان رسول خدا (علیهماالسلام) جعل و وضع کرده است!!».

(۲)

۴. تمام شیوخ معتزله و علمای مذهب حنفی، روایات ابوهریره را مردود دانسته و آنها را کنار گذاشته اند و اعلام کرده اند که: هر حکم یا فتوایی که براساس روایتی از ابوهریره صادر شده باشد، باطل و غیر قابل قبول است».

(۳)

ابوحنیفه می گفت:

«همه اصحاب پیامبر اکرم (علیهماالسلام) در نظر من ثقه و عادل هستند و حدیثی که از طریق آنها نقل شده باشد، در نظر من صحیح و مقبول است، مگر احادیثی که از طریق ابوهریره انس بن مالک و سمره بن

ص: ۴۴

۱- (۱) - شرح ابن ابی الحدید: ۶۸/۴ (شرح خطبه ۵۶).

۲- (۲) - الحاکم: ۵۱۳/۳، کتاب معرفه الصحابه (شرح حال ابوهریره).

۳- (۳) - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۳۶۰/۱.

جندب نقل شده باشد که آنها را قبول نمی‌کنم و به نظر من مردود و متروک هستند». (۱)

با این اوصاف، چگونه می‌توان به نقل روایت تأمین از ابوهریره استناد کرد؟!

و اما روایات طایفه دوّم را می‌توان به این ترتیب دسته بندی کرد.

الف: روایاتی که در سنن ابن ماجه آمده است

(۲)

۱- عثمان بن ابی شیبّه، از حمید بن عبدالرحمن، از ابن ابی لیلی، از سلمه بن کهیل، از حجیه بن عدی، از علی علیه السلام برای ما روایت کرده است:

«از رسول خدا (علیهما السلام) شنیدم که پس از **وَلَا الضّالینَ**، فرمود: آمین».

۲- حمید بن صباح و عمّار بن خالد واسطی، از ابوبکر بن عیاش، از ابی اسحاق، از عبدالجبار بن وائل، از پدرش برای ما روایت کرده است:

«همراه پیامبر اکرم (علیهما السلام) نماز خواندم، او پس از **وَلَا الضّالینَ**، فرمود: آمین و ما این را از او شنیدیم».

ص: ۴۵

۱- (۱) - مرآه الاصول فی شرح مرقاه الوصول، محمد بن فراموز حنفی، بحث سوّم در بیان حال راوی؛ شیخ المضیره ابوهریره، محمود ابوریّه: ۱۴۶.

۲- (۲) - سنن ابن ماجه: ۲۷۸/۱، کتاب الصلاه، باب الجهر بآمین.

۳- اسحاق بن منصور، از عبدالصمد بن عبدالوارث، از حماد بن سلمه، از سهیل بن ابی صالح، از پدرش، از عایشه، از پیامبر اکرم (علیهما السلام) برای ما روایت کرده است:

«ما حَسَدْتُكُمْ الْيَهُودَ عَلَى شَيْءٍ، مَا حَسَدْتُكُمْ عَلَى السَّلَامِ وَ التَّأْمِينِ».

«یهودیان بر چیزی همانند سلام و تأمین بر شما حسادت نمی ورزند».

۴- عباس بن ولید خلیل دمشقی، از مروان بن محمد و ابومسهر، از خالد بن یزید بن صبیح مری، از طلحه بن عمرو، از عطاء، از ابن عباس، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای ما روایت کرده است:

«ما حَسَدْتُكُمْ الْيَهُودَ عَلَى شَيْءٍ، مَا حَسَدْتُكُمْ عَلَى آمِينَ، فَاكْثَرُوا مِنْ قَوْلِ آمِينَ».

«یهودیان بر چیزی همانند قول آمین بر شما حسادت نمی ورزند، پس آمین را زیاد بگویید».

باید گفت سند تمام این روایات مورد اشکال است؛ زیرا در مورد روایت اول، بشار عواد گفته است:

«سند آن ضعیف است؛ زیرا حمید بن عبدالرحمن بن ابی لیلی ضعیف است؛ چون بسیار بد حافظه بود».^(۱)

ص: ۴۶

۱- (۱) - شرح سنن بن ماجه، بشار عواد معروف: ۱۳۶/۲، ح ۸۵۴؛ تحفه الأشراف: ۳۵۹/۷، ح ۱۰۰۶۵؛ المسند الجامع: ۱۳ / ۱۹۸، ح ۱۰۰۴۹.

شعبه می گوید:

«کسی را ندیدم که بدتر از ابن ابی لیلی، مطالب را حفظ کند».^(۱)

اما نسبت به حجیه بن عدی، ابو حاتم گفته است:

«به حدیث او احتجاج نمی شود؛ چون شبیه به مجهول است».^(۲)

در مورد روایت دوّم، بشّار عواد گفته است:

«سند آن به خاطر انقطاع، ضعیف است؛ چون عبدالجبار بن وائل بن حجر، چیزی را از پدرش نشنیده است».^(۳)

و بخاری گفته است:

«محمّد بن حجر [عبدالجبار بن وائل] شش ماه بعد از وفات پدرش به دنیا آمده است».^(۴)

و ابن حبان گفته است:

عبدالجبار بن وائل شش ماه پس از مرگ پدرش متولّد شده است؛ زیرا در زمانی که وائل بن حجر از دنیا رفت، مادر عبدالجبار به او حامله بود و این انقطاعی است که حجّیت حدیث را نقض می کند».^(۵)

ص: ۴۷

۱- (۱) - علل دارقطنی: ۱۸۶/۳.

۲- (۲) - تهذیب التهذیب: ۱۹۰/۲؛ تهذیب الکمال: ۴۸۵/۵.

۳- (۳) - شرح سنن ابن ماجه، بشّار عواد معروف: ۱۳۷/۲؛ تهذیب الکمال: ۳۹۳/۱۶، باب من اسمه عبدالجبار، شرح حال عبدالجبار بن وائل.

۴- (۴) - تاریخ الکبیر، نجاری: ۱۰۶/۶.

۵- (۵) - کتاب المجروحین، ابن حبان: ۲۷۳/۲.

در مورد روایت سوّم باید گفت که در سلسله سند آن سهیل بن ابی صالح وجود دارد که حدیث او قابل احتجاج نیست.

الدوری، از ابن معین نقل کرده است:

«احادیث سهیل بن ابی صالح و علاء بن عبدالرحمن مثل هم می باشد و قابل احتجاج نیست. و ابوحاتم گفته است: حدیث سهیل نوشته می شود، اما به آن احتجاج نمی شود». (۱)

در مورد روایت چهارم، بشار عوّاد گفته است:

«سند آن بسیار ضعیف است. و بوصیری گفته است؛ این سند ضعیف است؛ چون علمای رجال بر ضعف طلحه بن عمرو اتفاق نظر دارند و احادیث او متروک و بسیار ضعیف است». (۲)

و ابن معین در تاریخ خود آورده است:

«از یحیی شنیدم که می گوید: طلحه بن عمرو ضعیف است». (۳)

ابن سعد می نویسد:

«طلحه بن عمرو در سال ۱۰۲ هجری در مکه از دنیا رفت. او احادیث بسیاری نقل کرده و بسیار ضعیف بود». (۴)

ص: ۴۸

۱- (۱) - تهذیب التهذیب: ۲۶۳/۴ (شرح حال سهیل).

۲- (۲) - شرح سنن ابن ماجه، بشار عوّاد معروف: ۱۳۸/۲؛ تضعیف ابن ماجه، الالبانی: ۱۸۳؛ تحفه الأشراف: ۸۳/۵، ح ۵۸۹۷؛ المسند الجامع: ۴۸۸/۸، ح ۶۱۱۲.

۳- (۳) - تاریخ ابن معین / الدوری: ۶۰/۱.

۴- (۴) - الطبقات الکبری: ۴۹۴/۵.

۱- محمد بن کثیر، از سفیان، از سلمه، از حجر بن عنبس حضرمی، از وائل بن حجر برای ما روایت کرده است:

«وقتی رسول خدا (علیهماالسلام) ولالضالین را قرائت می کرد، با صدای بلند می فرمود: آمین».

۲- مخلد بن خالد شعیری، از ابن نمیر، از علی بن صالح، از سلمه بن کهیل، از حجر بن عنبس، از وائل بن حجر برای ما روایت کرده است:

«پشت سر رسول خدا (علیهماالسلام) نماز خواندم. آن حضرت با صدای بلند آمین گفت و به طرف راست و چپ خود سلام کرد، به گونه ای که سفیدی گونه اش را دیدم».

۳- اسحاق بن ابراهیم بن راهویه، از وکیع از سفیان، از عاصم، از ابی عثمان، از بلال برای ما روایت کرده است:

«به آن حضرت عرض کردم: یا رسول الله! در آمین گفتن بر من سبقت نگیر».

۴- ولید بن عتبۀ دمشقی و محمود بن خالد، از فریابی، از صبیح بن محرز حمصی، از ابومصبح مقرایی برای ما روایت کرده اند:

«پیش ابی زهیر نمیری که از اصحاب بود، می نشستیم. او برای ما بهترین حدیثها را روایت می کرد. هنگامی که یکی از ما دعا

ص: ۴۹

می کرد، او می گفت: در آخر آن آمین بگو، زیرا آمین همانند مهری است که بر پایان نامه زده می شود.

او در بیان حکمت این کار می گفت: شبی همراه رسول خدا (علیهماالسلام) خارج شدیم. در راه به مردی رسیدیم که اصرار داشت تا آن حضرت به درخواست او گوش فرا دهد. پیامبر اکرم (علیهماالسلام) ایستاد و به عریضه او گوش کرد و سپس فرمود: اگر آن را ختم می کرد، برآورده می شد. یکی از همراهان سؤال کرد: آن را به چه چیزی ختم می کرد؟ فرمود: به آمین. اگر او در خواستش را به آمین ختم می کرد، برآورده می شد. مردی که این سؤال را مطرح کرده بود، پیش آن درخواست کننده رفت و گفت: ای فلانی! درخواست خود را به آمین ختم کن و بشارت می دهم که در آن صورت، خواسته ات برآورده می شود و این لفظ پسندیده ای است. ابوداود گفته است: مقرا، اسم یکی از قبایل حمیر است». (۱)

سند این روایات نیز مورد اشکال است؛ زیرا در سند روایت اول اختلاف شده است؛ از سوی حافظ در تلخیص گفته است: «سند آن صحیح است و دارقطنی آن را روایت صحیح دانسته است» و از طرف دیگر ابن قطن به آن اشکال کرده و گفته است: «حجر بن عنبس مجهول است». (۲)

ص: ۵۰

۱- (۱) - سنن ابی داوود: ۲۴۷/۱، کتاب الصلاة، باب التأمین وراء الامام، ح ۹۳۸.

۲- (۲) - عون المعبود، شرح سنن ابی داوود: ۱۴۵/۲.

در سند روایت دوّم نیز «علیّ بن صالح» آمده است و صحیح آن چنان که صاحب تهذیب الکمال گفته است، (۱) علاء بن صالح می باشد. در ثقه بودن وی اختلاف شده است؛ از سوی ابن معین و ابوحاتم گفته اند: «اشکالی بر او نیست».

و از سوی دیگر، ابن مدینی گفته است: «او احادیث منکری را روایت کرده است».

و بخاری گفته است: «به روایات او عمل نمی شود». (۲)

و ابن حجر عسقلانی در تهذیب گفته است: «او راستگو، ولی دچار اوهام است». (۳)

در سند روایت سوّم، «عاصم احول» آمده است. ابن جبان می نویسد:

«یحیی بن سعد، میل کمی به نقل روایتهای او داشت و ابن ادریس گفته است: یحیی را دیدم که به بازار آمد و گفت: عاصم را کنار بگذارید که من چیزی از او روایت نمی کنم. و وهیب روایات او را کنار گذاشته بود، زیرا برخی از حالات و رفتار او مورد انتقاد وی بود». (۴)

ص: ۵۱

۱- (۱) - تهذیب الکمال، یوسف المزی: ۵۱۱/۲۲۲ (شرح حال شماره ۴۵۷۲).

۲- (۲) - تهذیب التهذیب: ۱۶۴/۸، شماره ۳۳۱.

۳- (۳) - تهذیب الکمال، یوسف المزی: ۵۱۲/۲۲ (در حاشیه).

۴- (۴) - تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی: ۳۹/۶، شماره ۷۳.

در سند روایت چهارم «ابومصباح مقرایی» آمده است و او کسی است که به روایاتش احتجاج نمی شود.

ابوحاتم رازی گفته است:

«این شخص را با کنیه اش نمی شناسند، حال چگونه اسمش شناخته می شود؟ و ابوعمر و نمری، این حدیث را از او نقل کرده و گفته است: سند آن درست نیست». (۱)

ج: روایاتی که در سنن ترمذی آمده است

(۲)

۱- بندار، از محمد بن بشار، از یحیی بن سعید و عبدالرحمن بن مهدی، از سفیان، از سلمه بن کهیل، از حجر بن عنبس، از وائل بن حجر برای ما روایت کرده است:

«شنیدم که رسول خدا (علیهما السلام) غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ را قرائت کرد و سپس با صدای بلند و کشیده فرمود: آمین». (۳)

۲- ابو عیسی، از ابوبکر محمد بن ابان، از سلمه بن کهیل، از حجر بن عنبس، از وائل بن حجر، از پیامبر اکرم (علیهما السلام) همان حدیث سفیان از سلمه بن کهیل را برای ما روایت کرده است». (۴)

ص: ۵۲

۱- (۱) - عون المعبود: ۳ و ۴ / ۱۵۱.

۲- (۲) - سنن ترمذی: ۳۰/۲، کتاب الصلاة، باب ما جاء فی التأمین.

۳- (۳) - سنن الترمذی: ۲۷/۲، ح ۲۴۸، باب ما جاء فی التأمین.

۴- (۴) - سنن الترمذی: ۲۹/۲، ح ۲۴۹، باب ما جاء فی التأمین.

سند این دو روایت نیز مورد اشکال است؛ زیرا در سند روایت اوّل، «بندار» آمده است که قول او در نظر بعضی حجت نیست. او متّهم به کذب است. فلاس او را تکذیب کرده است و عبدالله دورقی گفته است:

«نزد یحیی بن معین بودیم که صحبت از بندار به میان آمد. دیدم که یحیی به او اعتنایی نمی کند و او را ضعیف می شمارد و دیدم که قواریری از او راضی نیست». (۱)

روایت دوّم هم از حیث سند نا تمام است؛ زیرا در سند آن «حجر بن عنبس» و «علی بن صالح» قرار دارند که بنا به گفته بعضی از علمای رجال اهل سنّت - چنان که گذاشت - نا شناخته، یا ضعیف هستند.

نتیجه بحث

نتیجه بحث در مورد تأمین را در امور زیر می توان خلاصه کرد:

۱- نماز از عبادات است و نزد تمام مذاهب ثابت شده است که عبادات، توقیفی هستند و در این صورت، تعیین ماهیت و احکام آنها بر عهده شارع است.

ص: ۵۳

۲- کتاب های صحاح اهل سنت که نزد آنان معتبر هستند، کیفیت نماز پیامبر اکرم (علیهماالسلام) را بدون کلمه «آمین» نقل کرده اند و راویان اسناد این روایات، در نظر آنان از افراد ثقه هستند.

۳- اهل بیت علیه السلام به پیروانشان دستور داده اند که برای حفظ سنت جدشان (علیهماالسلام) از تحریف، از گفتن «آمین»، یا وارد کردن هر کلمه غریب دیگری در نماز، خودداری کنند.

۴- کیفیت نماز در نظر اهل بیت علیه السلام بر حسب آنچه روایاتشان آن را نقل می کند، مطابق با نماز رسول خدا (علیهماالسلام) و بدون کلمه «آمین» در قرائت می باشد و این نکته، از مشترکات روایات ایشان و بعضی از روایتهای کتب صحاح سته می باشد؛ از این رو، علمای امامیه با استناد به روایاتی که از ائمه علیه السلام نقل شده است، به عدم جواز تأمین در نماز فتوا داده اند.

۵- امیرا موضعگیری علمای عامه درباره حکم تأمین در نماز، بر خلاف مدارک روایی آنها می باشد. ما در بحثهای گذشته، روایاتی را مورد بررسی قرار دادیم که کلمه «آمین» در نماز را نقل نکرده بود، در صورتی که راویان اسناد آن موثق بودند، ولی روایات دیگری، کلمه «آمین» را ذکر کرده و آن را سنتی از سنتهای نماز دانسته بودند که ضعف اسناد آنها را مشاهده کردیم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

